

تأثیر فضاهای بی دفاع شهری بر میزان احساس امنیت شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران

محبوبه بابائی^۳

سعید معدنی^۲ (نویسنده مسوول)

لیلا نعمتی نیا^۱

چکیده

بررسی رابطه بین فضاهای شهری و احساس امنیت شهروندان، یکی از مباحث جامعه‌شناسی شهری است که مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. فضاهای بی دفاع یا جرم خیز در این احساس امنیت نقش مهمی دارند. مقاله‌ی حاضر به مطالعه‌ی ویژگی‌های فضاهای بی دفاع شهری و نقش آن در احساس امنیت شهروندان با استفاده از نظریات گوناگون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و طراحی شهری مانند نظارت چشم‌های خیابان جین جاکوبس، تفاوت فرهنگی راپوپورت، فضای قابل دفاع نیومن، پنجره‌ی شکسته ویلسون، پیشگیری وضعی از جرم کلارک پرداخته است. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات اسنادی و میدانی مبتنی بر پیمایش و ابزار تحقیق نیز پرسشنامه می‌باشد. روایی پرسشنامه‌ی تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ برآورد گردید. نمونه‌ی آماری تحقیق ۳۷۷ نفر از شهروندان مناطق (۳-۱۲) تهران را در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷ تشکیل می‌دهند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که احساس امنیت شهروندان در فضاهای بی دفاع بیشتر از فضاهای بی دفاع است. آزمون فرضیه رابطه بین فضای شهری و ابعاد احساس امنیت نشان داد که تفاوت معناداری از نظر انواع احساس ناامنی بین شهروندان به تفکیک فضای بی دفاع و با دفاع وجود دارد. هم‌چنین تحلیل رگرسیونی رابطه‌ی متغیرهای مستقل، که عبارتند از میزان استفاده از فضاهای بی دفاع - اوقات استفاده - نحوه و میزان استفاده - میزان و بینش نسبت به فضاهای بی دفاع (طراحی و معماری نامناسب، عدم نظارت مداوم، تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش فرض عدم امنیت احساس ناامنی را تبیین نمودند.

کلید واژه‌ها: احساس امنیت؛ فضاهای شهری؛ طراحی کالبدی و محیطی، فضاهای بی دفاع.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مهم‌ترین نیازهای اجتماعی انسان نیاز به تامین امنیت و احساس امنیت در محیط شهری به ویژه فضاهای عمومی شهری است. امروزه خشونت و احساس ناامنی به عنوان نگرانی فراگیر در تمام جوامع مطرح شده است. سیاست‌های دستگاه‌های مبارزه با خشونت و برقراری امنیت که اغلب به طور مستقیم بر مجرم تمرکز دارند، چندان موفقیت آمیز نبوده و این امر موجب توجه به ابعاد تأثیرگذار و عوامل زمینه ساز بروز خشونت و احساس ناامنی در شهرها

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسوول maadani25@yahoo.com

۳- گروه علوم اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

شده است. مطالعه در زمینه‌ی ارتباط محیطی و آسیب‌های اجتماعی به اوایل قرن نوزدهم بر می‌گردد که بیش‌تر ارائه‌ی الگوهای منطقه‌هایی از جرایم و مقایسه مناطق شهری و روستایی با دیگر ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی بود. اولین مطالعه در این زمینه توسط گوری در فرانسه صورت گرفت. توجه به نقش فضاهای جرم‌خیز یا بی‌دفاع در کارهای جرم‌شناسان محیطی، طراحان شهری، جامعه‌شناسان، روانشناسان و به‌خصوص روانشناسان محیطی با دو رویکرد متفاوت دنبال شد. رویکرد اول که تأکید بیش‌تری بر محیط فیزیکی داشت بیش‌تر از سوی شهرسازان و معماران مطرح شد. جاکوبسن (۱۹۶۱)، نیومن (۱۹۷۲) و جفری (۱۹۷۱) در مطالعات خود بر طراحی فیزیکی تأکید کردند که فضاهای شهری حامل معانی و نمادهای خاص خود هستند (تیموثی، ۲۰۰۶: ۱۷۴).

اما رویکرد دوم محیط اجتماعی و ویژگی اجتماعی فضاها را با اهمیت می‌داند که از سوی جامعه‌شناسان و روانشناسان و به‌طور گسترده‌ای در امریکا و در کارهای مکتب شیکاگو توسعه یافت. تئوری منطقه‌های رشد و گسترش شهر به وسیله رابرت پارک و ارنست برگس آن‌ها را قادر به ترسیم دقیق مرزهای جرایم در منطقه انتقالی کرد. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به مطالعه‌ی رابطه‌ی بین ساخت فیزیکی شهر با نظام اخلاقی آن پرداختند به همین جهت از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ پیروان مکتب شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل اجتماعی و بوم‌شناختی بر بی‌سازمانی و رفتارهای خشونت‌ناهنجاری و انحرافی رابطه نرخ‌های جرم و بزهکاری؛ نظیر خودکشی، طلاق، فحشا، الکلیسم، اعتیاد و دیگر انواع خشونت‌ها را با فضای درون شهری مطالعه نمودند (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۷). از طرفی امروزه امنیت از شاخص‌های کیفی زندگی در شهر است. آسیب‌های اجتماعی و عدم احساس امنیت از مهم‌ترین پیامدهای آن به‌شمار می‌رود. از آنجایی که فضاهای شهری امروزی، مؤلفه‌ای برای وقوع ناهنجاری‌های شهری و در نتیجه عدم وقوع امنیت در شهر می‌باشد، بررسی‌های جنبه‌های کیفی و کمی امنیت چه از لحاظ کالبدی چه از لحاظ اجتماعی در داخل هر یک از فضاهای شهری امری ضروری است.

تحلیل فضایی-زمانی بزهکاری نیز مبین این نکته مهم و اساسی است که در برخی از بخشی‌های شهر به سبب وجود ساخت کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر آن میزان آسیب‌های اجتماعی بالا است و برعکس بعضی فضاهای شهری مانع و عامل بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند. از این رو تحقیق حاضر به دنبال سوال اصلی است که آیا فضاهای بی‌دفاع در مناطق (۳-۱۲) تهران به جهت مرکزیت کشوری و الگو بودن آن که نیاز به توجه بیش‌تری دارد، در احساس امنیت شهروندان تأثیر دارد یا خیر؟

توسعه و ایجاد فضای شهری مناسب موضوعی مورد توجه در همه‌ی زمان‌ها برای شهرسازان و جامعه‌شناسان بوده است و از آن موقع که انسان برای بقا و تأمین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست‌ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت، تا کنون که به دنبال عصر صنعتی شدن که رویای برتری بر جهان را در سر می‌پروراند، امنیت و احساس آن چه در بعد روانی و چه در بعد فیزیکی همواره یکی از دغدغه‌های همیشگی او بوده است. با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند توسعه‌ی شهری می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از امنیت در ابعاد اقتصادی-سیاسی-اجتماعی و و محیطی اهمیت فزاینده‌ای دارد. از آنجا که امنیت مولفه‌های اساسی در توسعه‌ی پایدار انسانی به‌شمار می‌روند، باید علاوه بر میزان واقعی امنیت به جستجوی راه‌های موثر در شکل‌گیری مکان‌های امن شهری و جلوگیری از شکل‌گیری و رشد فضاهای ناامن یا جرم‌خیز و بی‌دفاع شهری پرداخت.

جین جیکوبز در کتاب زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا به مسئله امنیت و عوامل بازدارنده فضایی و کالبدی شهرها و محلات اشاره می‌نماید. وی بیان می‌کند که آرامش فضای شهری از ابتدا بوسیله پلیس تأمین نمی‌شود، ولی با حضور پلیس تضمین می‌شود. او در مورد خود انتظامی بودن یک خیابان چنین توضیح می‌دهد: می‌باید چشم‌هایی همواره باید خیابان را بنگرد، چشم‌های کسانی که ما همواره آن‌ها را مالکین طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم.

پیاده‌روهای خیابان می‌باید به صورت مداوم مورد استفاده قرار گیرد تا بر چشم‌های ناظر بر خیابان افزوده شود و به ساکنین خیابان شیوه نظارت به خیابان آموزش داده شود (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۴۵).

شاید بتوان گفت در معماری گذشته شهر و فضاهای شهری بیش‌تر در خدمت انسان‌ها بود و همین موضوع امنیت بیش‌تری را به ارمغان می‌آورد. در دوره‌ی قاجار در طراحی شهری ما میدانچه‌های کوچکی طراحی شده بود که روابط اجتماعی حاکم بر آن و حضور مردم در آن نقش عمده‌ای در ایجاد امنیت در شهر داشت، به طوری که تمام افراد ساکن در یک محل خود را موظف به حفظ جان و مال و ناموس ساکنان محله می‌دانستند، اما شهرسازی امروز که بیش‌تر برگرفته از مدل شهرسازی مدرن است (مبتنی بر ساخت بزرگراهها و خیابان‌کشی)، ارایه خدمات و محوریت طراحی به سواره‌ها و خودروها و نه پیاده‌ها تکیه دارد. شهر محلی برای حضور غریبه‌ها و انجام امور اقتصادی است و نه ایجاد روابط اجتماعی و فرهنگی و در نتیجه فضای عمومی و حضور مردم در فضاها کمتر و امنیت شهری نیز کمتر است (شادی طلب، ۱۳۸۲: ۱۴۱).

به طور کل امنیت ارتباط مستقیمی با فضا و کیفیت محیط شهری دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تامین‌کننده امنیت و فضای نامناسب از بین برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات اجتماعی است. فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی‌دفاع و محلات ناامن از عوامل تهدید کننده امنیت شهری و اجتماعی هستند.

این فضاهای بی‌دفاع در شهر تهران به علت رشد و گسترش فیزیکی و جمعیتی از یکسو و فرسودگی و تخریب مناطق قدیمی بسیار افزایش یافته است. از این رو، تلاش برای ایجاد و احیا فضاهای شهری در شهرهای کشور به‌خصوص در شهر تهران به عنوان یک کلان‌شهر که مورد هجوم مهاجران و در نتیجه بی‌برنامگی در توسعه موزون شده است، تا کنون چندان رضایت بخش نبوده است. به رغم آن‌که تلاشهای بسیاری صورت گرفته و سعی شده است که نظریات و مدل‌های آزموده شده دیگر کشورها در تهران پیاده شوند و پنداشته‌ها صورت علمی به خود بگیرند، اما تجربه‌ی جهانی نشان می‌دهد علاوه بر اینکه در تهران مکان‌های شهری بهتری نساخته‌ایم بلکه مکان‌های شهری ساخته شده را نیز از بین برده‌ایم.

ادبیات و مبانی نظری

ایده اصلی تأثیر فضاها در آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از آن از طریق تغییر فضا برای نخستین بار از سوی نیومن و جاکوبز شکل گرفت. کل هدف این ایده کنترل جرم بیش‌تر از کنترل مجرم بود. چشمان محققان بر روی فضاهای فیزیکی تمرکز داشت و رابطه‌ی فضا با جرم سوال اصلی محققان بود (تیموثی، ۲۰۰۶: ۱۷۴).

پیشگیری از خشونت و ایجاد احساس امنیت با ایجاد تغییراتی در فضاهای شهری را می‌توان، طراحی مناسب و کاربری موثر از فضا و محیط ساخته شده که به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود، تعریف کرد. این تئوری بر این اندیشه مبتنی است که رفتار انسانی دارای بعد فضایی است و در یک محیط فیزیکی و اجتماعی رخ می‌دهد. این تئوری تأکید می‌کند که با طراحی مناسب، بهینه‌سازی فرصت‌های نظارت، تعریفی مشخص و واضح از محیط و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان احساس امنیت را ایجاد کرد. نظریات مطرح شده در این قالب در سه دسته ارایه شده‌اند: دسته‌ی اول بیش‌تر بر محیط فیزیکی تأکید دارند. تلاش جغرافیدانان و معماران در این طبقه قرار می‌گیرند. در حالی که دسته‌ی دوم محیط اجتماعی را با اهمیت می‌دانند و در تبیین روابط و پدیده‌های اجتماعی، عوامل غیر فضایی ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأکید می‌کنند و بر تغییر در ابعاد غیر فیزیکی فضاهای شهری برای کنترل آسیب‌های اجتماعی تأکید دارند. که‌اندیشمندان علوم اجتماعی در این طبقه قرار می‌گیرند

(افروغ، ۱۳۷۷: ۱۴).

نظریات و رویکردهای مطرح شده درباره‌ی تأثیر فضاهای بی‌دفاع شهری در بروز خشونت و ایجاد احساس امنیت و در نتیجه راهکارهای کنترل و کاهش جرائم نیز با تأثیرپذیری از این سه رویکرد عنوان شده‌اند؛ یعنی تعدادی از نظریات به طور مجزا بر نقش ویژگی‌های فیزیکی فضاها در بروز خشونت تأکید دارند و در مقابل تعدادی نیز بر بُعد اجتماعی تأکید دارند و نظریاتی نیز در بین این دو طیف قرار داشته، که بر هر دو بُعد فیزیکی و اجتماعی فضاهای بی‌دفاع و آلوده در بروز خشونت تأکید دارند. از جمله‌ی این نظریه پردازان که بر هر دو بُعد تأکید دارد، اسکار نیومن است که "فضای قابل دفاع" را مطرح کرده است. به عقیده‌ی وی، ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی طراحی با ایجاد ادراک در ناظر، به واسطه این ارزیابی که محیط در برابر جرم قابل دفاع شده است، در مقابل این ارزیابی که در مقابل جرم آسیب پذیر است، در جرم مؤثر واقع می‌شود. ویژگی‌های فضاهای قابل دفاع شامل: مرزهای واقعی، مرزهای نمادین و فرصت‌های نظارتی است. به نظر وی آنچه در فضای ناآشنای مناطق کلان شهری بدان نیاز است، فضای قابل دفاع با تراکمی متوسط است؛ جایی که ساکنان محل را در دست دارند، کنترل می‌کنند و از رفتار جنایی پیشگیری می‌کنند (نیومن، ۱۹۹۶: ۵۴). وی در سال ۱۹۷۳ با کتاب خود با عنوان "فضای مقاوم" اعلام داشت این فضاها باید متولی داشته باشد و فضاهای خالی و بدون متولی، موقعیت ارتکاب جرائم را به وجود می‌آورد.

همچنین او سه فاکتور افزایش جرم و کاهش به امنیت در فضاهای شهری را چنین بیان می‌کند:
بیگانگی: استفاده کنندگان فضاهاشان را نمی‌شناسد.

عدم نظارت: مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی بدون آنکه مجرم دیده شود ممکن می‌کنند.

دردسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می‌کند (همان، ۶۹).

جین جاکوبس نظریه پرداز آمریکایی در دهه ۶۰ میلادی با کتاب (مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی) به عنوان اولین نظریه پرداز در حوزه امنیت معرفی می‌شود. او در بخشی از کتاب خود به مسائلی همچون نیاز به فضاهای امن در شهر، جداسازی و تشخیص مکان‌های عمومی و خصوصی و تنوع کاربری‌ها و اختلاط آن‌ها با هم می‌پردازد (جاکوبس، ۱۳۸۶: ۳۵).

از دیگر نظریه پردازان می‌توان به اسچمو آنجل که همواره بر امنیت محیط کالبدی در پیشگیری از جرم تأکید داشت، اشاره کرد. او بر آن بود تا با مشخص کردن حدود مالکیت، کاهش یا افزایش دسترسی به محل و انجام اقداماتی در خصوص نظارت و مراقبت شهروندان که از طریق محیط کالبدی صورت می‌گیرد، در کاهش جرائم تأثیر مستقیم اعمال کند (بنیاد امانی، ۱۳۷۸: ۴۴). به نظر دیوید چمن فضاها معمولاً زمانی تأثیر گذارترند که به روشنی تعریف شده باشند، چرا که فضاهای تعریف شده در نوع تجربه فضا و احساسات امنیت و مطبوع بودن مشارکت دارند، وی فضاهای شهری تعریف شده را دارای ویژگی‌های توالی، تنوع، شگفتی و مجرد بودن و احساس محصوریت می‌داند تا بتوانند امنیت و احساس امنیت ایجاد کنند (چمن، ۱۳۸۶: ۱۷۹). پتر دیکنز از جمله نظریه پردازانی است که بر ابعاد اجتماعی فضاهای بی‌دفاع تأکید دارد. به نظر وی محل، محیط فیزیکی است که در آن تعامل رخ می‌دهد و فضایی است که برای کاربرد خاصی تعبیه شده است. فضای فیزیکی در تأثیر بر زندگی مردم و مواجهه آنها با روابط و فرایندهای اجتماعی بسیار مهم است. محیط اطراف مردم به وسیله نظامهای اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. در اندیشه دیکنز فاصله‌های فیزیکی بین مردم و تخصیص فضاهای فیزیکی به انواع فعالیتهای اجتماعی تخصیص می‌یابد محله‌ها حامل نمادها و معانی اجتماعی مقبولی هستند که به طور قابل ملاحظه‌ای روابط اجتماعی را متاثر می‌سازند (افروغ، ۱۳۷۷: ۸۲).

صاحبان نظریه‌ی پنجره شکسته و بلسون معتقدند محله‌هایی که، در آن‌ها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی، نظیر تلنبار

شدن زباله‌ها، نمای بیرونی ناموزون ساختمان‌ها و پنجره‌های شکسته وجود دارد، امکان دسترسی مجرم مهیاست، حاکی از آن است که ساکنین آن محله احساس آسیب پذیری بیش تری دارند و قصد دارند از حضور، مشارکت و محافظت اجتماع خود کنار بکشند. لازم به ذکر است که این نظریه با عنوان نظریه تمدنی نیز معروف است. در واقع در اینجا بر فحش و ناسزاهای نوشته شده بر روی دیوارها، آشغال‌ها، ساختمان‌های متروکه و یا تجمع مردمان بی سرپناه در محله‌ها توجه می‌شود و چنین عواملی نشانه عدم وجود امنیت شمرده می‌شود (علی‌خواه و نجیبی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). طبق نظریات مطرح شده و مطالعات انجام گرفته می‌توان گفت که از نظر این اندیشمندان حفظ امنیت شهر، وظیفه‌های اساسی فضاهای یک شهر است و تلاش در جستجوی راه‌های موثر در کاهش فضاهای بی دفاع شهری به جهت نقش موثری است که آنگونه فضاها می‌تواند در جامعه و ایجاد امنیت ایفا کنند. با توجه به نظریات مطرح شده ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی فضاهای بی دفاع شهری کدام است؟ کدام فضاها احساس امنیت را در شهروندان ایجاد می‌کند؟

جدول ۱: پیشینه اقدامات در آرای اندیشمندان و صاحب‌نظران شهری

<p>۱- نیاز به خیابانهای امن در شهر</p> <p>۲- جدا سازی و تشخیص مکانهای عمومی و خصوصی</p> <p>۳- تنوع کاربری و اختلاط آنها در سطح شهر</p> <p>۴- استفاده موثر و بازدارنده از حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرائم</p>	<p>جین جاکوبس در کتاب مرگ و زندگی شهرهای امریکایی</p>	<p>دهه ۱۹۶۰</p>
<p>۱- کاهش پتانسیل طبیعی جرم خیزی مناطق شهری</p> <p>۲- شهروندان باید ببینند و دیده شوند</p> <p>۳- شفافیت و در معرض دید قرار گرفتن فضاهای عمومی</p> <p>۴- اشتیاق مردم به گزارش و برخورد با تخلفات و جرائم</p>	<p>رای جفریدر کتاب جلوگیری از جرائم شهری با طراحی محیطی و اسکار نیومن در کتاب فضاهای قابل دفاع</p>	<p>دهه ۱۹۷۰</p>
<p>۱- ارایه تئوری پنجره شکسته</p> <p>۲- کاهش پتانسیلهای طبیعی جرم خیزی مناطق شهری</p> <p>۳- اشاره به نابسامانی طراحی محیط مصنوع</p> <p>۴- اشاره و تاکید بر نا کارآمدی قوانین و استانداردهای طراحی شهری و معماری</p> <p>۵- نقش موانع طبیعی و بازدارنده‌های موقعیتی در کاهش فرصت دهی برای تجاوزات و جرائم شهری</p>	<p>جرج کیلینگ و ویلسون و پل براتینگهام در کتاب جرم شناسی شهری</p>	<p>دهه ۱۹۸۰</p>
<p>۱- ارائه استراتژی و روشمندی این رویکرد</p> <p>۲- برگزاری سری کنفرانسها و همایشهای بین المللی با عنوان CPTED</p>	<p>تیم کرو و مسئول برنامه های آموزشی جهانی در کتاب جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی</p>	<p>دهه ۱۹۹۰-۲۰۰۰</p>

فضای بی دفاع شهری

فضاهای بی دفاع فضایی هستند که امکان اتفاق افتادن آسیب اجتماعی در آنها بیش تر از فضاهای دیگر است. یا فضاهایی هستند که از نظر حفاظتی مرده ولی از نظر اتفاق افتادن مسائل نابهنجار فضایی فعال و زنده هستند. این فضاها معلول رخدادهایی هستند که در شهر رخ می‌دهند؛ زیرا به علت بزرگ شدن یا بزرگ بودن شهر و فقدان نظارت مناسب

فیزیکی و اجتماعی فضاهایی به وجود می‌آیند که فعالیت‌های غیرمجاز و متعارض با هنجارهای جامعه در آن نقاط صورت می‌گیرد و اثرات نامطلوبی بر پیکر جامعه می‌گذارد و منجر به حادث شدن انواع خشونت‌ها می‌شوند (راپوپورت، ۱۳۸۴: ۶۳).

این فضاها اغلب به کسی تعلق ندارد و اگر مالک داشته باشند از آن‌ها محافظت نمی‌کند. برخی از این مکان‌ها از دید عموم پنهان می‌باشند به طوری که آن‌ها به عنوان فضاهای دنج و امن برای رفتارهای انحرافی در نظر گرفته می‌شوند. فضاهای باقیمانده اطراف ساختمان‌های بلند، گوشه‌های رهاشده، پارکینگ‌ها و زمین در بخش‌های حاشیه‌ای را می‌توان جز مناطق بی دفاع نام برد (دارابی، ۱۳۹۵: ۳۳۲-۳۳۳).

فضاهای بی دفاع به صورت همگون در شهرها توزیع نشده‌اند، مکان‌های پرتجمع شهری، ورودی شهرها، پارک‌ها، ترمینال‌ها، ایستگاه‌های راه آهن، میدان‌های بزرگ، مناطق حاشیه‌ای شهرها جز مناطق بی دفاع هستند که می‌توان در یک دسته بندی کلی این فضاها را به دو مقیاس محله و شهری تقسیم نمود. در مقیاس محله‌ای فضاهای مستعد برای جرم شامل فضاهای تاریک در شب، گوشه‌های پنهان و خارج از دید ساکنان، فضاهای دارای پوشش گیاهی انبوه، فضاهای متروک و رهاشده، شبکه شطرنجی دسترسی‌ها، کارگاه‌های ساختمانی نیمه کاره، فضاهای دارای دررو، تورفتگی و عقب نشینی بدنه فضاهای ساخته شده و... می‌باشد و در مقیاس شهری این فضاها را می‌توان به بخش‌های جدا مانده از حوزه فعالیت شهروندان، پوشش گیاهی انبوه در حاشیه فضاهای عمومی، فضاهای متروک و رهاشده، فضاهای تاریک در شب، فضاهای بزرگ و خارج از مقیاس، فضاهای دارای دررو و فضاهایی با کارکرد متناوب دسته بندی نمود (تختی، ۱۳۹۵: ۷۱). خصیصه‌های فضاهای بدون دفاع شهری عبارتند از:

- ۱- مکانی که به کسی تعلق ندارد و کسی از آن‌ها مواظبت نمی‌کند و از دیدها محفوظ هستند.
- ۲- بستر مناسبی برای وقوع فعالیت‌های غیرمجاز و ناهنجار هستند.
- ۳- از نظر حفاظتی مرده، اما از نظر اتفاق افتادن مسائل ناهنجار فضاهایی فعال و زنده هستند.
- ۴- فاقد موانع واقعی و نمادین بوده، دارای حوزه تعریف شده مشخصی نمی‌باشند.
- ۵- امکانات نظارتی الزم را بوجود نمی‌آورند و مرز و محدوده قابل اندازه گیری ندارند.
- ۶- فضاهایی هستند که دارای کارکردهای خاصی نبوده و از نظر هنجارهای اجتماعی به درجات گوناگون نامطلوب تلقی می‌شوند.
- ۷- فضایی که دچار کژکارکرد شده است.

۸- هیچ گونه اثر مثبتی در محیط اطراف و برای شهروندان در بر ندارند و میان عناصر شهر پیوستگی ایجاد نمی‌کنند. ویژگی فضاهای بی دفاع یا جرم خیز، در دو دسته ویژگی فیزیکی و اجتماعی قرار گرفته‌اند. ویژگی‌های فیزیکی عبارتند از کمبود و فقدان نور و روشنایی، ساختمان‌های مخروبه، ساختمان‌های نیمه کاره، بی نظمی فیزیکی، کنج و گوشه و پیچ و خم، واز ویژگی‌های اجتماعی عدم تراکم فعلیتی، عدم حضور مسئول، ازدحام، شلوغی، خلوتی، عدم حضور یا استفاده مستمر هستند.

جدول ۲: شاخصهای کالبدی در افزایش فضاهای بی دفاع شهری

ویرانی خانه‌ها	استاندارد نبودن طراحی برخی مناطق	ساختمانهای رها شده
تراکم ساختمان	نابسامانی برخی محیط‌های پرتردد	ساختمانهای نیمه کاره
بافت‌های فرسوده	ورودی‌های مشترک زیاد	معابر و گذرگاههای تنگ و نامناسب
اجاره پایین برخی مناطق	فضاهای بدون متولی	بافت‌های جدا افتاده
اختلال کاربری	فضاهای بدون دید	عدم ترمیم فیزیکی مناطق

مکانهای بدون سکنه	فضاهای فاقد روشنایی	بی نظمی شکلی
سهولت فرار مجرمان	عقب نشینی ها و فرورفتگی ها	بی نظمی در مبلمان شهری

فضای عمومی شهری

فضای عمومی شهری، فضاهایی هستند که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، داد و ستد، ورزش و فضایی برای همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیرشخصی است (مدنی پور، ۱۳۹۴: ۲۱۵). در حقیقت فضای عمومی، آن دسته از فضاهای شهری می‌باشد که برای عموم مردم در همه زمان‌ها و برای انواع فعالیت‌های عمومی قابل دسترس باشد (نقی زاده، ۱۳۹۰: ۷۲). در چنین فضاهایی مردم می‌آموزند سایرین را در برخورداری از فضا سهیم بدانند. سابقه‌ی چنین فضاهایی به آگوراهای یونانی به عنوان مکانی برای انواع فعالیت‌های اجتماعی و تجاری و آمفی تئاترهای رومی باز می‌گردد که مکان‌های ابتدایی برای نشست‌ها، گردهمایی‌ها، جشن‌ها و برگزاری مراسم و آیین‌ها به شمار می‌رفته‌اند (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۴). اولدبرگ به این فضاها، واژه مکان سوم، یعنی فضایی در کنار خانه و محل کار اطلاق می‌نماید، فضایی که میزبان تجمعات داوطلبانه افراد می‌باشد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵). فضای عمومی شهری، به مفهوم صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد؛ از این رو مسئله‌ی امنیت این نقاط بسیار واجد اهمیت است (بحرینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۷).

امنیت

واژه‌ی امنیت (security) از امن، گرفته شده و امن، در اصل آرامش خاطر، آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس را گویند. امنیت در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است؛ بنابراین معنای لغوی آن، رهایی از تشویش، اضطراب، ترس یا احساس آرامش و اطمینان خاطر است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶).

بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه‌ای برای تعالی انسان تلقی می‌شود (الیاس زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹: ۴۴) امنیت مفهومی است که دارای دو بعد عینی و ذهنی است. از بعد عینی، امنیت به معنای ایجاد شرایط و محیط ایمن برای حفاظت و ارزشهای اصولی و حیات ملی است. از بعد ذهنی، امنیت به معنای احساس امنیت است. امنیت از بعد ذهنی ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم و دولت از آسیب پذیری و تهدیدات امنیتی دارد (نظری، ۱۳۸۹: ۳۹).

ریچارد کوپر^۱ می‌گوید: «امنیت به معنی توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌هایش می‌باشد». وی برای امنیت دو جنبه قائل است: «شرایط عینی و برداشت‌های ذهنی». شرایط عینی عبارتند از عوامل فیزیکی و وضعیتی که کمترین بایستگی‌ها را برای تامین امنیت کشور معین می‌کنند. برداشت‌های ذهنی نیز پدیده‌هایی هستند روانی که ممکن است حتی با وجود شرایط عینی، وجود داشته باشند. در همین راستا آرنولد و لفرز^۲ معتقد است: «امنیت نماد ابهام آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد». (بوزان^۳، ۲۰۱۴: ۱۴-۱۹).

مفهوم امنیت در فضای شهری از یک سو با جرم ارتباط پیدا میکند. اگرچه از آن بسیار متفاوت است و از سوی دیگر با مفهوم قربانی جرم واقع شدن و ترس از آن در ارتباط است. از سوی دیگر می‌بایست میان ترس و خطر یا احساس امنیت کردن و در امان بودن تفاوت قائل شد. از نظر علمی، درک اثرات جرم یعنی ترس از وقوع جرم، به اندازه خود آن یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد. واکنش نسبت به ترس از قربانی شدن باعث می‌شود که بسیاری از

1 Richard Cooper

2 Arnold Wolfers

3 Boozan, Barry

مردم از خطرات دوری کنند یا حداقل میزان در معرض خطر قرار گرفتنشان را کاهش دهند. این خود می‌تواند منجر به عدم حضور مردم نه تنها در یک مکان خاص بلکه در بیش تر فضاهای عمومی شود (کارمونا، ۱۳۸۸: ۲۴۱). امنیت را بسته به زمینه کاربرد آن می‌توان به امنیت فردی، اجتماعی، انسانی، اخلاقی، جانی، ملی، بین‌المللی تقسیم کرد.

احساس امنیت

احساس امنیت عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع‌کننده و آرام بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی در شرایط فعلی و آتی در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی و امنیت سرزمینی می‌باشد. در فضاهای شهری احساس امنیت شهری به این معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه‌جا شوند، با هم شهریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیتهای اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. احساس امنیت به معنای امنیت خاطر شهروندان از مال، جان و... است که خود نشانگر سازمان‌یافتگی، قانونمندی و با ثبات بودن جامعه است. احساس امنیت حالتی است که آن در ارضای احتیاجات و خواسته‌های فردی و اجتماعی افراد انجام و شخص در آن احساس ارزش، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس نماید (اسدی فرد، ۱۳۹۳: ۴۸-۳۸).

بوزان در بحث احساس امنیت معتقد است که تعاریف امنیت عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است. به اعتقاد بوزان اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیر قابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

تفاوت امنیت با احساس امنیت

احساس امنیت، یکی از مفاهیم مرتبط با امنیت است که حاصل اعتماد به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر مبنای آن سامان می‌گیرد و این احساس در خانواده، پی‌ریزی می‌شود «احساس امنیت دارای ویژگی‌های زیر است:

- احساس امنیت، ذهنی است.
- احساس امنیت به خودی خود، قابل تعریف نیست و بر مبنای بود و نبود خطر، قابلیت تعریف می‌یابد.
- احساس امنیت یک فرایند است، در طول زمان جریان دارد و در هر لحظه براساس برآورد خطر تغییر می‌پذیرد.
- این وجه ذهنی امنیت مهمتر از جنبه‌ی عینی آن است.
- احساس امنیت، ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی‌شناختی فرد را سامان می‌بخشد و پایه و بنیان وجود آدمی را در می‌نوردد» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۰).

روش پژوهش

الف - اصولاً هر پژوهشگری برای دست یافتن به اهداف تحقیق و پاسخگویی به سوال‌های مطرح شده و با در نظر گرفتن میزان سهولت و نحوه ی کنترل متغیرهای مختلف، استراتژی‌های متفاوتی را برای انجام کندوکاو خود تدوین

می‌کند. این همان چیزی است که کرلینجر طرح تحقیق می‌نامد و آن را نقشه یا استراتژی مهیاسازی و تدارک امور برای جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها دانسته که کارکرد اصلی آن در واقع کمک به محقق برای هدایت درست تحقیق و جلوگیری از دخالت متغیرهای مزاحم است (کرلینجر، ۱۳۷۹: ۴۸). در این تحقیق به دلیل حادث شدن پدیده‌ها در زمان گذشته، عدم توانایی در طراحی، طرح‌های آزمایشی، از مدل تحقیق علی پس از وقوع استفاده شده است که از روش‌های تحقیق نیمه تجربی است و هدف کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص یا نوعی رفتار که قبلاً وجود داشته یا روی داده است، از طریق مطالعه نتایج حاصل از آن‌ها است (صدیق، ۱۳۷۱: ۴۱).

ب - ابزارهای تحقیق و روش جمع آوری اطلاعات

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی تحلیلی است. روش گرد آوری اطلاعات نیز اسنادی و میدانی می‌باشد. در بخش اسنادی و کتابخانه‌ای به مطالعه ادبیات، مبانی نظری و هم‌چنین استخراج شاخص‌های مربوط به موضوع پرداخته شده است. در بخش میدانی نیز با محله‌ها بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده است و با مشاهده در سطح محله به مطالعه و گرد آوری داده‌ها پرداخته شده است.

ج - جامعه آماری - واحد تحلیل و واحد مشاهده - مناطق و فضاهای مطالعه شده

جامعه‌ی آماری این پژوهش خانوارهای ساکن در منطقه (۳-۱۲) شهر تهران در سالهای ۱۳۹۷-۱۳۹۶ می‌باشند. که بر حسب آخرین آمار سرشماری جمعیت تهران تعداد خانوار در مناطق (۳-۱۲) بطور میانگین ۲۱۰۸۲۹ خانوار می‌باشد و تعداد افراد آن ۶۳۲۴۸۷ نفر است. که در این پژوهش جمعیت نمونه شهروندان مناطق (۳-۱۲) خواهند بود که به طور تصادفی ساده از هر ۱۰ خانوار یک نفر انتخاب خواهد شد.

برای انتخاب جمعیت نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بدین صورت که مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران را به سه قسمت شمال، مرکز و جنوب تقسیم نموده و پس از انتخاب دو منطقه، هر منطقه نیز به چهار بخش جغرافیایی تقسیم شده است. بدین ترتیب از قسمت شمال منطقه ۳، و از قسمت جنوب، منطقه ۱۲ انتخاب شدند. با توجه به اینکه کل حجم نمونه برآورد شده ۳۷۷ نفر هستند در نهایت به درب منزل واحدهای مشاهده رفته و پرسشنامه مورد نظر خود را شهروندان سن بالای ۱۶ سال پر کرده‌اند.

واحد تحلیل، واحدی است که اطلاعات از آن گردآوری می‌شود: واحدی که خصوصیات آن را توصیف می‌کنیم. غالباً در پژوهش پیمایشی واحد تحلیل فرد است. براساس روش پژوهش انتخاب شده، واحد جمع آوری اطلاعات یا مشاهده، و هم‌چنین واحد تحلیل در سطح خرد و فرد بوده است.

یافته‌های تحقیق

جامعه آماری و ویژگی‌های آن در رده‌های سنی، جنسی، تحصیلات و منطقه در جدولهای زیر نشان داده شده است.

جدول ۲: توزیع پاسخ دهندگان بر اساس سن

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
سن	بین ۱۵ تا ۲۵ سال	۵۷	۱۵/۱	۱۵/۱
	بین ۲۶ تا ۳۵ سال	۵۹	۱۵/۶	۳۰/۸
	بین ۳۶ تا ۴۵ سال	۱۳۹	۳۶/۹	۶۷/۶
	بین ۴۶ تا ۵۵ سال	۱۰۰	۲۶/۵	۹۴/۲
	بالتر از ۵۵ سال	۲۲	۵/۸	۱۰۰

جدول ۳ توزیع پاسخ دهندگان بر اساس جنسیت

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	مرد	۱۲۴	۳۲/۹	۳۲/۹
	زن	۲۵۳	۶۷/۱	۱۰۰

جدول ۴. میزان تحصیلات

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
تحصیلات	سیکل	۴۹	۱۳	۱۳
	دیپلم و فوق دیپلم	۳۷	۹/۸	۲۲/۹
	لیسانس	۲۲۵	۵۹/۸	۸۲/۷
	فوق لیسانس	۵۵	۱۴/۴	۹۷/۱
	دکتری	۱۱	۲/۹	۱۰۰

جدول ۵: توزیع پاسخ دهندگان بر اساس منطقه

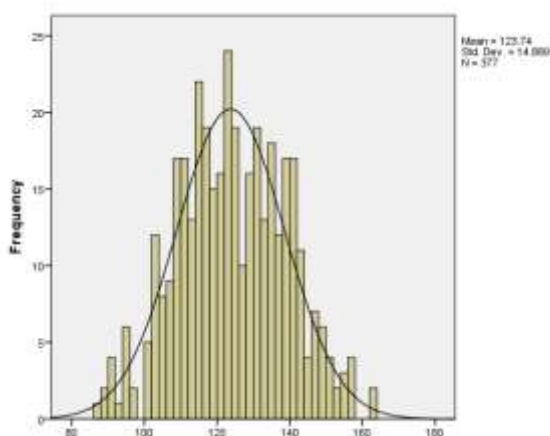
متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
منطقه	منطقه ۳	۱۳۹	۳۶/۹	۳۶/۹
	منطقه ۱۲	۲۳۸	۶۳/۱	۱۰۰

شاخص‌های توصیفی متغیرهای فضاهای بی‌دفاع شهری

پرسشنامه فضاهای بی‌دفاع شهری که ۳۵ عبارت دارد از ۷ زیر معیار با عناوین: نوع فضاهای بی‌دفاع شهری، میزان استفاده از فضاهای بی‌دفاع شهری، نوع استفاده از فضای بی‌دفاع شهری، اوقات استفاده از فضای بی‌دفاع شهری، نحوه استفاده از فضای بی‌دفاع شهری، میزان آگاهی از بی‌دفاع بودن فضای شهری و بینش نسبت به فضاهای بی‌دفاع شهری تشکیل شده که هر زیر معیار حاوی ۵ سؤال است. نظر سنجی بر اساس طیف لیکرت از ۱ تا ۵ که به ترتیب از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق می‌باشد. محدوده هر زیر معیار از ۵ تا ۲۵ و محدوده معیار اصلی ۳۵ تا ۱۷۵ می‌باشد. بنابراین نمره بالاتر هر زیر معیار به معنای آن است که زیر معیار مورد نظر باعث اثرگذاری بر احساس امنیت است.

جدول ۶. شاخص‌های توصیفی

گروه	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
نوع فضا	۳۷۷	۱۶	۲۵	۲۰/۵۷	۲/۳۱۵	۰/۰۷۱	۰/۰۶۰
میزان استفاده	۳۷۷	۱۱	۲۵	۱۷/۱۷	۲/۶۹۳	۰/۱۴۱	-۰/۳۲۱
نوع استفاده	۳۷۷	۱۰	۲۵	۱۵/۷۵	۴/۵۳۹	۰/۱۵۵	-۱/۰۸۸
اوقات استفاده	۳۷۷	۱۱	۲۳	۱۶/۷۶	۲/۴۷۸	۰/۰۹۶	-۰/۲۹۵
نحوه استفاده	۳۷۷	۸	۲۳	۱۴/۳۲	۳/۴۲۰	۰/۰۶۹	-۰/۶۵۸
میزان آگاهی	۳۷۷	۱۳	۲۴	۱۸/۵۴	۳/۴۴۴	-۰/۰۲۲	۰/۱۹۶
بینش	۳۷۷	۱۶	۲۵	۲۰/۶۴	۲/۲۶۹	-۰/۰۰۸	۰/۲۳۵
فضاهای بی‌دفاع شهری	۳۷۷	۸۷	۱۶۲	۱۲۳/۷۴	۱۴/۸۸۹	۰/۰۱۲	-۰/۴۱۶



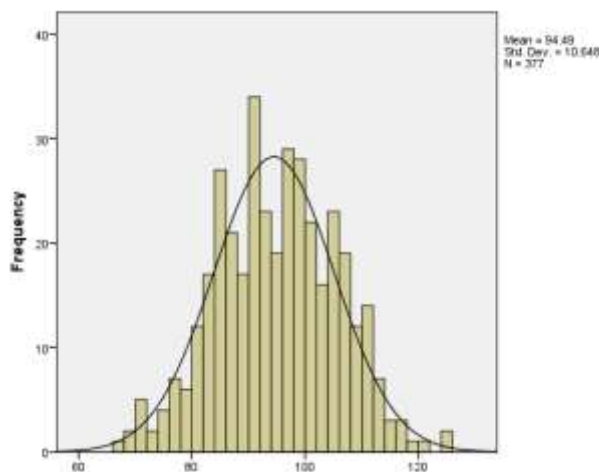
نمودار ۱. هیستوگرام متغیر فضاهاى بی دفاع شهری

شاخص‌های توصیفی متغیرهای احساس امنیت

پرسشنامه احساس امنیت که ۲۸ عبارت دارد از ۴ زیر معیار با عناوین: احساس ناامنی مالی، احساس ناامنی جانی، احساس ناامنی روانی و احساس ناامنی ناموسی تشکیل شده که هر زیر معیار حاوی ۷ سؤال است. نظر سنجی بر اساس طیف لیکرت از ۱ تا ۵ که به ترتیب از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق می‌باشد. محدوده هر زیر معیار از ۷ تا ۳۵ و محدوده معیار اصلی ۲۸ تا ۱۴۰ می‌باشد. بنابراین نمره بالاتر هر زیر معیار به معنای آن است که وجود مکان‌های بی‌دفاع شهری باعث از بین رفتن احساس امنیت می‌شود.

جدول ۷. شاخص‌های توصیفی

گروه	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
ناامنی مالی	۳۷۷	۲۰	۳۵	۲۷/۱۲	۳/۲۵۴	-۰/۰۶۹	-۰/۵۵۵
ناامنی جانی	۳۷۷	۱۶	۳۰	۲۲/۹۲	۲/۵۵۴	-۰/۰۲۵	-۰/۱۹۷
ناامنی روانی	۳۷۷	۱۴	۲۹	۲۱/۵۳	۲/۸۹۲	۰/۰۷۹	-۰/۰۳۰
ناامنی ناموسی	۳۷۷	۱۵	۳۲	۲۲/۹۱	۳/۸۱۲	-۰/۰۷۳	-۰/۷۲۲
احساس امنیت	۳۷۷	۶۷	۱۲۵	۹۴/۴۹	۱۰/۶۴۸	-۰/۰۱۷	-۰/۳۰۲



نمودار ۲. هیستوگرام متغیر احساس امنیت

آزمون همبستگی میان متغیرهای فضاهای بی دفاع

- ۱- میان نوع فضای بی دفاع شهری با همه متغیرها همبستگی معنی دار و مستقیم وجود دارد به غیر از متغیرهای نوع استفاده و نحوه استفاده.
- ۲- میان میزان استفاده از فضای بی دفاع شهری و دیگر متغیرها همبستگی معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۳- میان نوع استفاده از فضای بی دفاع شهری و میزان استفاده، اوقات استفاده و نحوه استفاده از فضای بی دفاع همبستگی معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۴- میان اوقات استفاده از فضای بی دفاع شهری و دیگر متغیرها همبستگی معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۵- میان نحوه استفاده از فضای بی دفاع شهری و همه متغیرها همبستگی معنی دار و مستقیم وجود دارد به غیر از نوع فضا.
- ۶- میان میزان آگاهی از فضای بی دفاع شهری و همه متغیرها همبستگی مستقیم و معنی دار وجود دارد به غیر از نوع استفاده از فضای بی دفاع.
- ۷- میان بینش نسبت به فضای بی دفاع شهری و همه متغیرها همبستگی مستقیم و معنی دار وجود دارد به غیر از متغیرهای نوع استفاده و نحوه استفاده.

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

بینش	میزان آگاهی	نحوه استفاده	اوقات استفاده	نوع استفاده	میزان استفاده	نوع فضا	
۰/۹۱۳ ۰/۰۰۰	۰/۸۷۵ ۰/۰۰۰	۰/۰۸۳ ۰/۱۱۰	۰/۴۹۳ ۰/۰۰۰	۰/۰۴۶ ۰/۳۷۵	۰/۲۳۶ ۰/۰۰۰	۱	نوع فضا
۰/۲۳۷ ۰/۰۰۰	۰/۲۲۴ ۰/۰۰۰	۰/۵۳۹ ۰/۰۰۰	۰/۶۱۳ ۰/۰۰۰	۰/۶۷۱ ۰/۰۰۰	۱	۰/۲۳۶ ۰/۰۰۰	میزان استفاده
۰/۰۶۷ ۰/۱۹۴	۰/۰۶۲ ۰/۲۲۶	۰/۸۰۳ ۰/۰۰۰	۰/۷۷۲ ۰/۰۰۰	۱	۰/۶۷۱ ۰/۰۰۰	۰/۰۴۶ ۰/۳۷۵	نوع استفاده
۰/۵۰۳ ۰/۰۰۰	۰/۶۲۶ ۰/۰۰۰	۰/۸۵۲ ۰/۰۰۰	۱	۰/۷۷۲ ۰/۰۰۰	۰/۶۱۳ ۰/۰۰۰	۰/۴۹۳ ۰/۰۰۰	اوقات استفاده
۰/۰۸۵ ۰/۰۰۰	۰/۳۰۱ ۰/۰۰۰	۱	۰/۸۵۲ ۰/۰۰۰	۰/۸۰۳ ۰/۰۰۰	۰/۵۳۹ ۰/۰۰۰	۰/۰۸۳ ۰/۱۱۰	نحوه استفاده
۰/۸۷۵ ۰/۰۰۰	۱	۰/۳۰۱ ۰/۰۰۰	۰/۶۲۶ ۰/۰۰۰	۰/۰۶۲ ۰/۲۲۶	۰/۲۲۴ ۰/۰۰۰	۰/۸۷۵ ۰/۰۰۰	میزان آگاهی
۱	۰/۸۷۵ ۰/۰۰۰	۰/۰۸۵ ۰/۱۰۱	۰/۵۰۳ ۰/۰۰۰	۰/۰۶۷ ۰/۱۹۴	۰/۲۳۷ ۰/۰۰۰	۰/۹۱۳ ۰/۰۰۰	بینش

آزمون همبستگی میان متغیرهای احساس امنیت

بر اساس نتایج جدول ۹ همه متغیرهای احساس امنیت با یکدیگر همبستگی معنی دار و مستقیم وجود دارد.

جدول ۹: نتایج آزمون همبستگی پیرسون

نامانی ناموسی	نامانی روانی	نامانی جانی	نامانی مالی	
۰/۸۳۲ ۰/۰۰۰	۰/۵۲۱ ۰/۰۰۰	۰/۶۱۳ ۰/۰۰۰	۱	نامانی مالی

نامنی جانی	۰/۶۱۳ ۰/۰۰۰	۱	۰/۷۹۹ ۰/۰۰۰	۰/۵۲۵ ۰/۰۰۰
نامنی روانی	۰/۵۲۱ ۰/۰۰۰	۰/۷۹۹ ۰/۰۰۰	۱	۰/۴۸۵ ۰/۰۰۰
نامنی ناموسی	۰/۸۳۲ ۰/۰۰۰	۰/۵۲۵ ۰/۰۰۰	۰/۴۸۵ ۰/۰۰۰	۱

آزمون همبستگی میان متغیرهای فضاهای بی دفاع و احساس امنیت

بر اساس نتایج جدول ۱۰، احساس امنیت با متغیرهای؛ نوع فضای بی دفاع، اوقات استفاده، میزان آگاهی، بینش نسبت به فضای بی دفاع همبستگی معنی دار و معکوس دارد. هم چنین احساس امنیت با فضاهای بی دفاع شهری همبستگی معکوس و معنی دار دارد. بدین معنی که وجود فضاهای بی دفاع باعث کاهش سطح امنیت شهروندان می شود.

جدول ۱۰: نتایج آزمون همبستگی پیرسون

فضاهای بی دفاع شهری	نوع فضا	میزان استفاده	نوع استفاده	اوقات استفاده	نحوه استفاده	میزان آگاهی	بینش
احساس امنیت	-۰/۱۳۵ ۰/۰۰۹	-۰/۰۳۸ ۰/۴۶۲	-۰/۰۸۵ ۰/۱۰۰	-۰/۱۱۹ ۰/۰۲۱	-۰/۰۳۶ ۰/۴۸۳	-۰/۱۱۷ ۰/۰۲۳	-۰/۱۲۶ ۰/۰۱۴
							-۰/۱۲۰ ۰/۰۲۰

آزمون همبستگی میان متغیرهای احساس امنیت و فضاهای بی دفاع

بر اساس نتایج جدول ۱۱، میان فضاهای بی دفاع شهری با متغیرهای نامنی مالی، نامنی جانی و نامنی ناموسی همبستگی معکوس و معنی داری وجود دارد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون همبستگی پیرسون

احساس امنیت	نامنی ناموسی	نامنی روانی	نامنی جانی	نامنی مالی
فضاهای بی دفاع شهری	-۰/۱۵۱ ۰/۰۰۳	-۰/۰۱۰ ۰/۸۴۱	-۰/۱۵۵ ۰/۰۰۲	-۰/۱۶۴ ۰/۰۰۱
				-۰/۱۲۰ ۰/۰۲۰

تجزیه واریانس احساس امنیت بر اساس جنسیت

بر اساس نتایج جدول ۱۲، بین میانگین نمره احساس امنیت زنان و مردان اختلاف آماری معنی داری وجود ندارد. بنابراین نمی توان گفت که مردان در فضاهای بی دفاع شهری نسبت به زنان احساس امنیت بیش تر یا کمتری می کنند.

جدول ۱۲. نتایج تجزیه احساس امنیت بر اساس جنسیت

جمع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری
۱/۱۵۶	۱	۱/۱۵۶	۰/۰۱۰	۰/۹۲۰
۴۲۶۲۷/۰۱۴	۳۷۵	۱۱۳/۶۷۲		
۴۲۶۲۸/۱۷۰	۳۷۵			

تجزیه واریانس احساس امنیت بر اساس سن

بر اساس نتایج جدول ۱۳، احساس امنیت در بین رده‌های سنی با یکدیگر متفاوت است. بدین معنی که احساس امنیت در میان افراد جوان و مسن با یکدیگر متفاوت است.

جدول ۱۳. نتایج تجزیه احساس امنیت بر اساس سن

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مبعات	درجه آزادی	جمع مربعات	
۰/۰۳۱	۲/۶۸۲	۲۹۸/۶۹۱	۴	۱۱۹۴/۷۶۳	بین گروهی
		۱۱۱/۳۸۰	۳۷۲	۴۱۴۳۳/۴۰۶	درون گروهی
			۳۷۶	۴۲۶۲۸/۱۷۰	کل

تجزیه واریانس احساس امنیت بر اساس تحصیلات

بر اساس نتایج جدول ۱۴، میانگین نمره احساس امنیت در بین کسانی که تحصیلات مختلف دارند، اختلاف آماری معنی داری وجود ندارد.

جدول ۱۴. نتایج تجزیه احساس امنیت بر اساس تحصیلات

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مبعات	درجه آزادی	جمع مربعات	
۰/۲۶۷	۱/۳۰۶	۱۴۷/۶۷۱	۴	۵۹۰/۶۸۳	بین گروهی
		۱۱۳/۰۶۵	۳۷۱	۴۱۹۴۷/۲۷۴	درون گروهی
			۳۷۵	۴۲۵۳/۹۵۷	کل

تجزیه واریانس احساس امنیت بر اساس منطقه

بر اساس نتایج جدول ۱۵، احساس امنیت در میان ساکنین منطقه ۳ و منطقه ۱۲ با یکدیگر اختلاف آماری معنی داری ندارند. بدین معنی که نمی‌توان گفت ساکنین منطقه ۳ نسبت به ساکنین منطقه ۱۲ از احساس امنیت بالاتری برخوردار هستند.

جدول ۱۵. نتایج تجزیه احساس امنیت بر اساس منطقه

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مبعات	درجه آزادی	جمع مربعات	
۰/۵۷۸	۰/۳۰۹	۳۵/۱۳۸	۱	۳۵/۱۳۸	بین گروهی
		۱۱۳/۵۸۱	۳۷۵	۴۲۵۹۳/۰۳۲	درون گروهی
			۳۷۶	۴۲۶۲۸/۱۷۰	کل

تحلیل رگرسیون

در مدل‌های آماری، تحلیل رگرسیون یک فرایند آماری برای تخمین روابط بین متغیرها می‌باشد. این روش شامل تکنیک‌های زیادی برای مدل‌سازی و تحلیل متغیرهای خاص و منحصر بفرد، با تمرکز بر رابطه بین متغیر وابسته و یک یا چند متغیر مستقل، می‌باشد. تحلیل رگرسیون خصوصاً کمک می‌کند در فهم اینکه چگونه مقدار متغیر وابسته با تغییر هر کدام از متغیرهای مستقل و با ثابت بودن دیگر متغیرهای مستقل تغییر می‌کند. جهت بررسی رابطه میان متغیرها، آزمون همبستگی به تنهایی نمی‌تواند این رابطه‌ها را بررسی کند. بنابراین به روشی نیازمند هستیم که بتواند رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را مشخص کند و هم‌چنین میزان تأثیر و چگونگی تأثیر را نیز توضیح دهد. بنابراین تحلیل رگرسیون روشی است که می‌تواند آنچه را که ما می‌خواهیم ارائه دهد.

جدول ۱۶. نتایج برآورد مدل با استفاده از رگرسیون خطی (احساس امنیت)

مدل	ضریب	خطای استاندارد	مقدار t	سطح معنی داری
-----	------	----------------	---------	---------------

۰/۰۰۰	۲۳/۰۰۷	۴/۵۶۹	۱۰۵/۱۲۷	عرض از مبدأ
۰/۰۲۰	-۲/۳۴۶	۰/۰۳۷	-۰/۰۸۶	فضاهای بی دفاع شهری
۱/۹۲۸				دوربین واتسون
۵/۵۰۲				مقدار F

جدول ۱۷. تجزیه واریانس احساس امنیت

سطح معنی داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۲۰	۵/۵۰۲	۶۱۶/۴۱۰	۱	۶۱۶/۴۱۰	رگرسیون
		۱۱۲/۰۳۱	۳۷۵	۴۲۰۱۱/۷۶۰	پسماند
			۳۷۶	۴۲۶۲۸/۱۷۰	کل

مرور و جمع بندی نتایج پژوهش

احساس امنیت، پیش نیاز هرگونه توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی محسوب شده و با سطح پیشرفت جوامع در ارتباط است. آگاهی از وضعیت احساس امنیت ساکنان یک اجتماع نقش موثری در شناخت چالش‌ها و راهکارهای توسعه یک جامعه داشته و در جهت تقویت زیرساخت‌های آن عمل می‌کند. شکل ساختاری این مکان‌ها، تأثیر به‌سزایی در احساس ناامنی شهروندان دارد. کوچه‌های پرپیچ و خم، ساختمان‌های نیمه کار، مخروبه‌ها، زیرگذرها و... از جمله این شکل ساختاری هستند. بر اساس نتایج آزمون همبستگی، احساس امنیت با متغیرهای؛ نوع فضای بی دفاع، اوقات استفاده، میزان آگاهی، بینش نسبت به فضای بی دفاع همبستگی معنی دار و معکوس دارد. هم‌چنین احساس امنیت با فضاهای بی دفاع شهری همبستگی معکوس و معنی دار دارد. بدین معنی که وجود فضاهای بی دفاع باعث کاهش سطح امنیت شهروندان می‌شود. هم‌چنین میان فضاهای بی دفاع شهری با متغیرهای ناامنی مالی، ناامنی جانی و ناامنی ناموسی همبستگی معکوس و معنی داری وجود دارد. در نهایت نیز بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، فضاهای بی دفاع شهری بر احساس امنیت شهروندان اثری منفی و معنی دار دارد. ضریب برآورد شده برای فضاهای بی دفاع برابر با $-۰/۰۸۶$ می‌باشد. بدین معنی که با افزایش مکان‌های بی دفاع در سطح شهر، از احساس امنیت مردم کاسته می‌شود.

رابطه بین احساس امنیت و فضاهای بی دفاع شهری (فرضیات پژوهش)

آزمون فرضیه یک فرآیند تصمیم‌گیری است که این فرآیند مبتنی بر ذهنیاتی که از طریق مشاهده مستقیم و ساده اطلاعات بدست می‌آید نبوده، بلکه براساس عینیتی است که با محاسبه احتمال وقوع فرضیات مختلف حاصل می‌شود. در این مطالعه ۱ فرضیه اصلی و ۷ فرضیه فرعی مورد آزمایش قرار گرفته است که در ادامه نتایج آنها ارائه شده است.

فرضیه اصلی

فرضیه ۱: بین فضاهای بی دفاع شهری و میزان احساس امنیت در بین شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی میان فضاهای بی دفاع شهری و احساس امنیت رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. هم‌چنین بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، فضاهای بی دفاع شهری اثری منفی و معنی دار بر احساس امنیت دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود. بین احساس امنیت و فضاهای بی دفاع شهری مانند ناموزونی فیزیکی، محیطی، بی‌قوارگی کالبدی و نابسامانی مکانی ارتباط وجود دارد همان‌طور که تئوری‌های فضای قابل دفاع (نیومن)، پنجره شکسته (ویلسون)، نظریه CPTED (ری جفری) نشان می‌دهند، احساس امنیت در نقاط مختلف شهر بویژه مناطق (۲-۱۳) شهر تهران متفاوت است.

فرضیات فرعی

فرضیه ۱: بین نوع فضاهای بی دفاع شهری و میزان احساس امنیت در بین شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی، میان نوع فضاهای بی دفاع شهری و احساس امنیت همبستگی معکوس و معنی داری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می شود. ارتباط بین شهر و احساس ناامنی از آن روست که ویژگی های فضایی - کالبدی شهر می تواند هم تامین کننده امنیت و هم ایجاد کننده ناامنی باشد. صاحب نظران مکتب شیکاگو جزو اولین کسانی بودند که به مسئله شهر و بی سازمانی های موجود در آن اشاره کرده اند. رابرت پارک و برجس بر این باور بودند که در منطقه انتقالی شهر بدلیل سطح بالای تحرک، جمعیت ناپایداری جمعیتی، مهاجرپذیر بودن، گمنامی افراد، خانه های مخروبه، ازدحام جمعیت و... بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می شود و منطقه ناامنی محسوب می گردد. هم چنین مک کی معتقد بود که کژرفتاری ها در این نقطه از شهر به این دلیل رخ می دهد که کنترل اجتماعی غیر رسمی مانند افکار عمومی و نظارت همگانی آنقدر قوی نیست که از پیدایش و بروز نابهنجاری جلوگیری کند. لذا مطابق نظر صاحب نظران مکتب شیکاگو، وجود مکان های بی دفاع باعث از بین رفتن حس امنیت می شود. لذا نتایج این مطالعه نیز همسو با این نظریه می باشد.

فرضیه ۲: بین میزان استفاده از فضاهای بی دفاع شهری و میزان احساس امنیت در بین شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی، میان میزان استفاده از فضاهای بی دفاع شهری و احساس امنیت همبستگی معنی داری وجود ندارد. بنابراین این فرضیه رد می شود. زمانی که از فضاهای بی دفاع شهری برای موارد مختلفی بتوان استفاده کرد، احساس امنیت به طور محسوسی افزایش می یابد. به عنوان مثال، برگزاری مراسمات و جلسات در چنین اماکنی موجب افزایش رفت و آمد در این مکان ها و در نتیجه افزایش احساس امنیت می باشد. لذا اگر بتوان از این اماکن به نحوی صحیح استفاده کرد و این اماکن را به مراکز ازدحام جمعیتی در ساعات مختلف روز تبدیل کرد، می توان احساس ناامنی را در این مناطق کاهش داد.

فرضیه ۳: بین نوع استفاده از فضاهای بی دفاع شهری و میزان احساس امنیت در بین شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی، میان نوع استفاده از فضاهای بی دفاع شهری و احساس امنیت همبستگی معنی داری وجود ندارد. بنابراین این فرضیه رد می شود. دیوید چپمن نیز معتقد است خصوصیات کالبدی فضا مستعد تأثیرگذاری بر رفتار هستند چرا که وضع و شکل فضا می توانند در ایجاد آسایش یا ناراحتی موثر باشد. هر چه ارتباط بین فعالیت های ساختمان ها و خیابان ها بیشتر باشد خیابان ها امنیت بیشتری می یابند. مغازه های رو به خیابان، خانه های مسکونی دارای بالکن مواردی هستند که احساس امنیت را ایجاد می کنند. دیوارهای بلند، ساختمان های بدون استفاده، کوچه های تنگ و باریک همگی نوعی احساس اضطراب و ترس به استفاده کنندگان از فضا منتقل می کنند.

فرضیه ۴: بین اوقات استفاده از فضاهای بی دفاع شهری و میزان احساس امنیت در بین شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی، میان اوقات استفاده از فضاهای بی دفاع شهری و احساس امنیت همبستگی معکوس و معنی داری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می شود. در برخی از نظریاتی که در رابطه با احساس امنیت وجود دارد، زمان استفاده از فضاهای بی دفاع رابطه مستقیمی با احساس امنیت دارد. بین استفاده از این مکان ها در روز و شب، صبح و ظهر و غروب با صبح زود در احساس امنیت مطمئناً اختلافاتی وجود دارد. به طوریکه در ساعاتی از روز که رفت و آمد بیش تر است، احساس امنیت نیز بیش تر است و بالعکس.

فرضیه ۵: بین نحوه استفاده از فضاهای بی دفاع شهری و میزان احساس امنیت در بین شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی، میان نحوه استفاده از فضاهای بی دفاع شهری و احساس

امنیت همبستگی معنی داری وجود ندارد. بنابراین این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه ۶: بین میزان آگاهی از فضاهای بی دفاع شهری و میزان احساس امنیت در بین شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی، میان میزان آگاهی از فضاهای بی دفاع شهری و احساس امنیت همبستگی معکوس و معنی داری وجود دارد؛ بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود. هرچه ساکنین مناطقی که فضاهای بی دفاع شهری در آنجا زیاد است، نسبت به خطرات و معضلات فضاهای بی دفاع آگاهی داشته باشند، از احتمال وقوع خطر کاهش یافته و در نتیجه می‌توان گفت که احساس امنیت افزایش می‌یابد.

فرضیه ۷: بین بینش نسبت به فضاهای بی دفاع شهری و میزان احساس امنیت در بین شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون همبستگی، میان بینش نسبت به فضاهای بی دفاع شهری و احساس امنیت همبستگی معکوس و معنی داری وجود دارد. بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود. نتیجه این فرضیه نیز متناسب با نظریات مربوط به احساس امنیت و هم راستا با این نظریات می‌باشد. چرا که بینش نسبت به فضاهای بی دفاع می‌تواند در افزایش احساس امنیت نقش به‌سزایی داشته باشد.

بحث و نتیجه گیری نظری پژوهش

با توجه به نظریات ارائه شده در تحقیق حاضر از تئوری‌های فضاهای قابل دفاع (نیومن)، پنجره شکسته (ویلسون)، نظریه ری جفری، پیشگیری وضعی از جرم (کلارک)، فرصت‌های نظارتی (جاکوب) و نظریه تفاوت فرهنگی (آموس راپوپورت) و نظریه تراکم جمعیت به منظور تبیین موضوع مورد مطالعه استفاده شده است. از این منظر مجموعه‌ای از نشانه‌های محیطی و فیزیکی از قبیل روشنایی ضعیف در شب، مکان‌های مناسب برای اختفای مجرمان، خلوتی و تاریکی (مثل زیر گذرها)، محاط بودن و نبود فرصت نظارتی (مثل برخی پارکها)، بی نظمی و فرسودگی (مثل ساختمان‌های مخروبه و متروکه) مکان‌های بدون متولی (مثل ساختمان‌های رها شده)، نبود امکان فرار (کوچه‌های تنگ و باریک)، عدم رویت پذیری (مثل باغات درون شهری)، نبود فرصت نظارتی (مثل پارکینگ‌ها و پله‌ها)، بی ثباتی و ناپایداری جمعیت (مثل پایانه‌های مسافربری)، ازدحام و تراکم جمعیت (مثل ایستگاههای مترو)، پیش فرض عدم امنیت که همراه با احساس ناامنی بوده، مد نظر قرار گرفته است. بر این اساس طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش فرض عدم امنیت از جمله عوامل تشدید کننده‌ی احساس ناامنی شهروندان بوده است.

این پژوهش احساس امنیت را در چهار بعد (احساس امنیت روانی، احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی و احساس امنیت ناموسی) سنجیده است که نتایج نشان داد که در هر چهار مولفه‌ی ذکر شده، احساس امنیت شهروندان منطقه دو و سیزده تهرانی در فضاهای بی دفاع به طرز معناداری از فضاهای بی دفاع شهر تهران بیش‌تر است. این موضوعات در نظریات تبیینی پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفته بود. بر حسب رویکرد مکانی شرایط فیزیکی و محیطی می‌توان به گونه‌ای موثر احساس امنیت شهروندان را افزایش داد. این امر در نظریات جاکوبسن با عنوان (چشم‌ها در خیابان‌ها)، در نظریات نیومن با عنوان (فضای قابل دفاع) و در نظریات ویلسون با عنوان (پنجره شکسته) مورد توجه قرار گرفته بود. در این رویکرد تصور بر این است که رابطه بین مکان و تصور وجود دارد و رفتار و احساس امنیت می‌تواند با توجه به تأثیر مکان اصلاح گردد و با طراحی مناسب، محیط فیزیکی قادر خواهد بود با از بین بردن گوشه‌های پنهان، مکان‌های مخفی، راه‌های مناسب فرار مانع رفتارهای مجرمانه شود؛ به گونه‌ای که در این دو مناطق ملاحظه شد فضاهای مکان‌هایی که طراحی مناسب داشتند توان جرم خیزی شان کمتر و احساس رضایتمندی شهروندان بیش‌تر بود. در واقع محیط

فیزیکی قادر است از طریق افزایش کنترل، مراقبت و نظارت‌های فضاهای شهری، دسترس بودن و مداخله شهروندان در استفاده از فضا، باعث افزایش احساس امنیت شود. این رویکرد بر توانمندسازی محیط کالبدی شهر از بعد فیزیکی و کنترل و بازدارندگی در بعد مکان رفتارهای مجرمین تأکید داشته است و تحقیق حاضر نیز نشان داد ترس از قربانی شدن در فضاهای بی‌دفاع در حال افزایش و به تبع آن احساس امنیت در حال کاهش بوده است. مختصات فضاهای بی‌دفاع شهر، شهروندان را دچار تشویش، اضطراب، سر درگمی و ترس نموده و به افزایش احساس ناامنی منجر می‌گردد و بر عکس فضای با ایمن و با دفاع باعث امنیت خاطر شده و عامل و مانع بازدارنده‌ی فرصت‌های ناامن‌کننده هستند. یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که شهروندان در انتخاب فضاهای ناامن در کل شهر تفاهم نسبی دارند. اکثریت آنها در مناطق مختلف شهری، ساختمان‌های نیمه‌کاره و مخروبه، کوچه‌های خلوت و تاریک، مکان‌های پرازدحام را فضاهایی با امنیت کم ارزیابی می‌کنند.

رویکرد دوم در بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت رویکردی کاملاً اجتماع محور است بر اساس این رویکرد عواملی همچون تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش فرض، عدم امنیت، نقش بارزی در احساس امنیت شهروندان بر عهده دارند.

در تحقیق حاضر با توجه به دو رویکرد بالا در کنار عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی نیز که نقش بسزایی در احساس امنیت شهروندان بر عهده دارند، مد نظر قرار گرفته‌اند. عواملی همچون تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش فرض عدم امنیت از عوامل اجتماعی هستند که در احساس امنیت نقش بارزی ایفا می‌نمایند. از سوی دیگر عواملی همچون عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری و طراحی و معماری نامناسب فضای شهری از جمله عوامل کالبدی و محیطی بوده‌اند. با توجه به موارد کالبدی و اجتماعی به منظور تبیین عوامل موثر بر احساس ناامنی پنج عامل طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش فرض عدم امنیت به عنوان علل احساس ناامنی مورد توجه قرار گرفت که نتایج نشانگر تأثیر بالای این عوامل در متغیر وابسته تحقیق بود. همانگونه که نتایج تحقیق نشان داد معماری و طراحی مناسب فضای شهری می‌تواند در افزایش احساس امنیت شهروندان سهم قابل توجهی داشته باشد. این عامل وقتی با عامل نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضای شهری ترکیب می‌شود دارای تأثیر دو چندان در احساس امنیت شهروندان می‌شود. هم‌چنین این عوامل کالبدی وقتی در کنار عوامل اجتماعی، تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش فرض عدم امنیت قرار می‌گیرند؛ تبیین احساس ناامنی شهروندان به نحو بارزی تقویت می‌شود. بنابراین به منظور تقویت احساس امنیت شهروندان در فضاهای بی‌دفاع شهری ضروری است در کنار طراحی‌های کالبدی و فضایی به مباحث اجتماعی و فرهنگی نیز توجه ویژه‌ای مبذول شود.

پیشنهادهات

آنچه در یافته‌های پژوهش مسلم شد این است که مردم در فضاهایی چون کوچه‌های تاریک و خلوت، خیابانها و فضاهای شلوغ و پرتردد شهر، زیر پل‌های شهر، داخل زیر گذرها، پل‌های هوایی، املاک بدون مالک و متولی، کنج‌ها، ساختمان‌های نیمه‌تمام و یا رها شده و متروک، فضاهای مجاور کاربری‌های بزرگ ولی کم رفت و آمد، حاشیه نشینی، کمبود مسیرهای پیاده که از لحاظ کالبدی حائز اهمیت است و مکان‌هایی که افراد مزاحم و معتاد نوامیس مردم حضور دارند که موجب سلب آسایش و امنیت شهروندان می‌شود، شلوغی و نگاه‌های مردمی که به دلیل فقر و نبود فرهنگ زندگی روی دیگران سنگینی می‌کند و محله‌هایی که فقر اقتصادی بیداد می‌کند، مکان‌هایی که پلیس حضور دائمی ندارد، و یا چهارراه‌هایی که بدلیل عبور موتور سیکلت موجب عدم امنیت و آرامش می‌شود از دیگر عواملی

هستند که به لحاظ اجتماعی قابل بررسی است که چنین معضلاتی پیامدهایی از قبیل عدم اعتماد، احساس نگرانی نسبت به چیزها و مسائل مختلف، کناره گیری از مشارکت و رفتارهای اجتماعی، ترس بیمناکی و دوری جستن از محیط، محدود کردن فعالیت‌های عادی و ارتباطات، هنجار شکنی و... را به دنبال دارد. بنابراین راهکارهای پیشنهادی زیر را می‌توان برای رهایی از چنین معضلاتی و رسیدن به امنیت ایده آل ارائه کرد.

اکثر فضاهای ناامن دارای فرصت‌های نظارتی محدود هستند و در مواردی فاقد فرصت نظارت و کنترل هستند. برای کاستن شدت این ویژگی در فضاها و افزایش فرصت‌های نظارتی باید پنجره و درب و بالکن‌های مشرف به فضاها تعبیه شود و موانع فیزیکی مانند درختان پر شاخ و برگ را کاهش داد.

عدم حضور مستمر افراد در برخی فضاها از عوامل ناامنی است. برای اصلاح و تغییر این شرایط، می‌توان با تغییر در شرایط فیزیکی و کاربری فضا، از خلوتی فضا کاست و یا در اینکه در زمان مکان یابی فعالیتها و استقرار فضاهایی مانند پارک و فضای سبز دقت شود تا بتواند در اکثر ساعات تعدادی قابل توجه به خود جذب کند و یا با انتقال یک فعالیت شاخص به یک فضا می‌توان به ارتباط مردم با فضا کمک کرد و فقر فعالیتی فضا را کاست.

در صورت نصب پل هوایی برای عبور پیاده، مسیر عبور افراد در طول پل باید قابل رویت باشد و توسط تابلوها و سایر الحاقات پوشیده نشود.

ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی، برای افزایش ایمنی باید در نقاط قابل دید نصب شوند و دارای روشنایی و سرپناه مناسب باشند و آسایش اقلیمی کلیه ایستگاه‌ها فراهم شود.

ایجاد مدیریت پنهان، یعنی مدیریتی که با بهره گیری از فنون و روشهای طراحی، زمینه بروز بزه کاری و جرم در فضای پارک تا حد ممکن کاهش یابد.

تقویت گشت‌های تصادفی در نقاط بی دفاع و نصب کانکس‌های کلانتری در محل‌های بی دفاع.

رفع مسدودیت پیاده روها به ویژه بخشی از محله که بازار تهران در آن وجود دارد.

دقت در کاشت درختان به منظور ایجاد گوشه‌های تاریک و دور از دید.

منابع

- احمدی، حبیب، ۱۳۷۷. نظریه انحرافات اجتماعی. شیراز: انتشارات زر
- افروغ، عماد، ۱۳۷۷، فضا و نابرابری اجتماعی: الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
- الیاس زاده مقدم، سید نصرالدین؛ ضابطیان، الهام، ۱۳۸۹، بررسی شاخصهای برنامه ریزی شهری موثر در ارتقا امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی، نشریه هنرهای زیبا شماره ۴۴
- اسدی فرد، محمد، ۱۳۹۳، ارتقا امنیت اجتماعی از طریق طراحی فضای سبز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۳۱، ۱۳۹۳
- بنیاد امانی، ل. ۱۳۷۸. بررسی ارتباط شهرنشینی با بزهکاری نوجوانان پسر در کانون اصلاح و تربیت تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- بحرینی، سید حسین، ۱۳۷۶، تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی، تهران: دانشگاه تهران
- بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشگرده مطالعات راهبردی

- پور جعفر، محمد رضا و همکاران، ۱۳۸۷، ارتقا امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تاکید بر رویکرد CPTED، نشریه علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، جلد ۱۶، شماره ۶
- تختی، بیتا، ۱۳۹۵، نقش فضاهای بی دفاع شهری در کاهش حس امنیت در شهروندان، ماهنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۵.
- حسینی نثار، مجید و علی قاسمی، ۱۳۹۱، بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن در کشور، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، تهران: سازمان ملی جوانان
- جیکوبز، جین، ۱۳۸۶: مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و ارزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران
- چپمن، دیوید، ۱۳۸۶، آفرینش محلات و مکانها در محیط انسان ساخت، ترجمه: شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، دانشگاه تهران
- دارابی، جمال، ۱۳۹۵، فضاهای بی دفاع شهری، عوامل تهدید کننده توسعه پایدار شهری، مارتینیا، دوره پنجم، شماره دو.
- راپوپورت، آموس، ۱۳۸۴، معنی محیط ساخته شده، ترجمه فرح حبیب، نشر پردازش و برنامه ریزی شهری
- رفیعیان، مجتبی، عظیمی، مریم، مقدم، حامد، ۱۳۹۰، ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۶.
- شادی طلب، ژاله، ۱۳۹۲، مشارکت اجتماعی زنان، پژوهش زنان، سال ۳، شماره ۷.
- صدیق سروسستانی، رحمت اله، ۱۳۷۱. فاصله فروماندگی تا فرومایگی، طرح تحقیق، دانشگاه تهران
- علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم، ۱۳۸۵، زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۲
- کارمونا، ماتيو و هیت، تیم و تر، اک و تیسدل، استیون، ۱۳۸۸، مکان های عمومی، فضاهای شهری، ترجمه فریبا قرایی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، تهران، دانشگاه هنر
- کرلینجر، فرد، ۱۳۷۹، روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، بی نا
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷ تجدید و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی
- مدنی پور، علی، ۱۳۹۴، طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایند اجتماعی و مکانی، ترجمه: فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- نظری، احسان، ۱۳۸۹، راههای مشارکت مردم در افزایش امنیت اجتماعی، ماهنامه دادرسی، شماره ۷۹
- نقی زاده، محمد، ۱۳۹۰، فضاهای باز شهری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، چاپ اول، تهران.